

رقص انگشتان فیلسوفان



مارترو، نیچه و بارت پشت پیانو



ترانسپس نودلمن

ترجمه: میترا افراهانی



www.ketab.ir

نودلمان، فرانسوا Noudelmann, francois

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآورنده :	قص انگلستان فیلسوفان: سارتر، نیچه و بارت پشت پیانو نشسته‌اند/ فرانسیس نودلمان؛ ترجمه میترا فراهانی
مشخصات نشر :	۱۳۹۰
مشخصات ظاهری :	۲۵۰ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۳ س. م.
شابک :	۹۷۸-۶-۸۳۴۹-۲-۳
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
یادداشت :	The Philosopher,s touch: Sartre, Nietzsche, and Barthes at the piano, c 2012
عنوان دیگر :	سارتر نیچه و بارت پشت پیانو نشسته‌اند
موضوع :	سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵-۱۹۸۰ م. موسیقی
موضوع :	نیچه، فردریش ویلهلم ۱۸۴۴-۱۹۰۰ م. معلومات و سبک
موضوع :	بارت، رولان ۱۹۱۵-۱۹۸۰ م. معلومات. موسیقی
شناسه افزوده :	فراهانی، میترا ۱۳۷۳ مترجم
رده‌بندی کنگره :	ML۷۹/۹۷ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی :	۷۸۰/۰۱
شماره کتابشناسی ملی :	۵۴۳۷۳۱۴



رقص انگشتان فیلسوفان (سارتر، چیه و بابت پشت بیانو)

برگردان: سارا فراهانی

فرانسیس نودلمن

چاپ اول: ۱۳۹۰

چاپ: کامیاب

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ISBN: 978-60-8349-00-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۴۹-۳۰-۳

انتشارات یویان

مشهد، صندوق پستی ۹۱۷۵۵-۳۳۳

تلفن: ۰۹۱۵۵۷۱۸۲۷۷

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان



کتاب پیش روی شما به دست فرانسیس نودلمن به نگارش درآمده است. نویسنده‌ای که قلم در جوهر طنین زده است تا برای نخستین بار آوای پیانوی از نوازندگان فاسفه را به گوش جهانیان برساند. کتاب خواندنی البته شنیدنی نودلمن مجله فلسفه‌ی به ظاهر خشکیست که با موسیقای گوش نوازِ باخ، شومان، شوبرت و مده پیاژه نواز دیگر، رنگ و بوی هنر یافته است. طنین نامه‌ی پیش روی شما با بهر گزین گویه‌های آثارِ تهوع و هستی و نیستی سارتر؛ تولد تراژدی چنین گفت زرتشت، فراسوی نیک و بد، تبارشناسی اخلاق، غروب بتان، اینک، اواره و سایه‌اش نیچه؛ رولان بارت نوشته‌ی رولان بارت، سخن عاشق و اتاقِ رولان بارت و ده‌ها اثر دیگر، از بی‌کرانگیِ موسیقی حکایت می‌کند. بی‌کرانگی که با زیرپا گذاشتن چارچوب موسیقی، به امثال سارتر، پیانویی بی‌وزن هدیه کرده است. به گفته‌ی نودلمن، از آن جا که ضمیرِ آدمی با موسیقای موزون سازگار می‌شود، تنها در سایه‌ی بی‌وزنی‌ها آشکار می‌شود. در دنیای نیچه گونه‌ی نودلمن دست‌ها به جای پوشاندن چهره از احساسات نهفته چهره‌نمایی می‌کند. نوازندگان سودا زده و خو گرفته به جهانِ بارت، نه بیمار هستند و خوکاره؛ بلکه، نوازندگان و نگارندگانی هستند که آثاری به مراتب خیال‌انگیزتر می‌آفرینند.

حال، با نگاه به چکیده‌ی بالا به نکات ترجمه‌ی برخی از واژگان این کتاب می‌پردازم. از آن جا که ریشه‌ی معنایی دو واژه‌ی «نواختن» و «نوازش کردن» در دو زبان فارسی و انگلیسی touch یکسان است، از یک فلسفه برمی‌گیرد. «به نوازش درآوردن» قطعه‌ی موسیقی به پدیده‌ی فلسفی اشاره دارد که در این کتاب «تجسم متقابل» reciprocal incarnation ترجمه شده است. نظر به این فلسفه، نوازنده‌ی عاشق، سراسر کلیدهای پیانوی معشوق را نوازش می‌کند و پیانوی دلبر، پذیرای دستان گرم نوازنده است. به بیان دیگر، قطعه‌ی آهنگینی که گوش شنوندگان را می‌نوازد، از معاشقه‌ی نوازنده و ساز برخاسته است. بارت با اشاره به دو واژه‌ی idiorhythme و Biorythme که در آن کتاب «خودریتم» و «زیست ریتم» ترجمه شده است، از فلسفه‌ی موسیقی به سبک نوازشی دست یافت، خود ریتمی که آدمی با نگاهی فردی و دور از قراردادهای پیش‌بینی‌شده می‌گیرد و زیست ریتمی که آدمی زیر فشار قدرت جمعی، مجبور به نواختن آن است.